

جامعه شناسی دینی – اسلامشناسی اجتماعی
آیا حکومت و شریعت اسلامی قرآنی و الهی اند؟

قرائت قرآن «غیر دینی»

جلد ۱

محدودیت های قرآنی و
تحریفات قرائت «رسمی و با واسطه»

رضا ایرملو

پروفسور جامعه شناسی - سوئد

توجه: برای تهیه کتاب به کتابفروشی های معتبر در اروپا و آمریکا و یا مرکز
توزیع آن در آلمان، کتابفروشی فروغ تلفن: ۰۰۴۹۲۲۱۹۲۳۵۵۷۰۷ و فاکس
۰۰۴۹۲۲۱۲۰۱۹۸۷۸ مراجعه فرمائید.

(این صفحه فقط برای درج در اینترنت اضافه شده است. دوستانی که کتاب را
چاپ می کنند می توانند از این صفحه صرف نظر کنند.)

آدرس برای اظهار نظر: gghevedini@yahoo.com

فصل ۴ فقدان نظم محتوائی

مشکلات محتوائی

مشکلات یا نقیصه هائی که تا کنون مورد بحث قرار گرفته اند، فقط چهره بیرونی این «نظم نا منظم» را نشان می دهند. در درون و از نظر محتوی معنی و مفهوم نیز، مسایل و مشکلات فراوانند:

۱- تعدادی آیات از نظر معنی و محتوی در «تعارض و تضاد» با آیات دیگر قرار دارند،

۲- تعدادی از اینان در ارتباط با همدیگر، «مجموعه های پروسه ای» را تشکیل می دهند،

۳- تعدادی از آیات «منسوخ» شده اند و کسی نمی داند کدام ها و،

۴- تعدادی نیز جزو «متشابهات» اند و معانی روشنی ندارند.

۵- ظاهراً همه آیات "شان نزول" دارند و از این نظر، «مقطعی و موردی اند»^{۳۱۲}. با این وجود، عجیب است که شریعت سازان و بنیادگرایان، این آیات را "حکم جهان شمول" می خوانند. اینان حتی در "باطن" هر آیه ای، معنی و مقصود پنهانی را جستجو می کنند و بر آن اساس حکم دینی می سازند و به نام خدا و آیاتش به بازار دینی عرضه می کنند.

مهم تر آن که این مشکلات و نقیصه های محتوائی و درونی، تأثیر مسایل و مشکلات ساخت بیرونی به شرح گذشته را تقویت می کنند و

³¹² جهت اطلاعات بیشتر در مورد چرائی، معنی و مفهوم این موضوعات و مشکلات در رابطه با موضوع تحقیق این کتاب ر. ک. به فصل های آتی این جلد از کتاب و جلد های بعدی آن.

بالعکس، از فقدان نظم منطقی ساخت بیرونی تأثیر می‌پذیرند. در نتیجه، مشکلات و مسایل این هر دو ساخت بیرونی و درونی در ارتباط با همدیگر، موانع عمده‌ای در راه مطالعه و فهم و درک مستقیم محتوی آیات و قرآن ایجاد می‌کنند.

مساله این است که همه این آیات (چه با یا بی معنی، موردی یا جمعی و حتی ناسخ و منسوخ)، بدون هرگونه علامت مشخصه در این «کتاب دینی» جمعند و این همه، خواننده جستجوگری را که می‌خواهد به محتوی دینی قرآن دست یابد و حداقل مبانی دینی خود را در کتاب دینی خود مطالعه کند، وارد وادی بی‌بدون هرگونه جهت‌یابی و نشانه‌گذاری می‌کند. از این رو، با پیشرفت مطالعه سیستماتیک و تحقیقاتی قرآن، خواننده خود را در برابر هزاران جمله و موضوع درهم ریخته‌ای می‌یابد که بسیاری جز با دخالت‌های تحریف‌آمیز اصلاح‌گرایانه، در تعارض و تضاد با همدیگر قرار دارند و از آن رو، به هر راهی قابل‌تعبیر و تفسیر اند. این بی‌نظمی درونی و بیرونی، و مشکلات ناشی از آن، چرایی و علت وجودی این همه تفسیر و تأویل گوناگون را توضیح می‌دهند.

این «نظم بی‌نظم» «بیرونی و محتوایی»، همچنین فرصتی فراهم آورده تا در طول ۱۴۰۰ سال گذشته، هر حاکم، حزب و فرقه دینی، هر آن چه را که لازم دیده و قصد کرده، از قرآن استخراج کرده و برای هم‌جنگ و هم‌صلح، هم‌عدالت و هم‌ستم و هم‌آزادی و هم‌سرکوب انسان مسلمان و غیر مسلمان، آیه و وحی الهی آورده است. با این وجود، جالب توجه است که با این همه نوشتار و گفتاری که در طول این صدها سال تاریخ اسلام فراهم آمده، هنوز هم گره‌های این همه مسأله و مشکل باز نشده و، هنوز هم:

- متکلمان و مفسران اسلامی که خود را مجبور به رفع و رجوع مسایل و مشکلات حل نشده می‌بینند، همیشه توضیح جدیدی را انتظار می‌کشند، یا خود پیشنهادهای تازه‌تری می‌آورند و دلایل جدیدی ابداع می‌کنند. به بیان دیگر، با وجود این همه تحریف و ساختن‌ها و

پرداختن های شریعت سازان، مشکلات ناشی از این «نظم بی نظم» حل نشده باقی مانده اند.

آیات متضاد

مسأله تضاد و تعارض میان آیه های قرآن، خود مشکلی بزرگ و حل نشده است. در بحث مربوط به «انگیزه تحریف و رفع و رجوع تعارض و تضاد قرآن»، از سه آیه ای که در زمان های مختلف در مورد یهودیان آمده، سخن گفتیم و نشان دادیم که این آیه ها تا چه اندازه در تعارض با همدیگر اند: در آیه ۵۲ سوره القصص، پیش بینی می شود که اهل کتاب به زودی به اسلام ایمان می آورند: «کسانی که پیش از آن به ایشان کتاب آسمانی داده بودیم، به آن ایمان می آورند»^{۳۱۳}

بر خلاف این آیه و پیش بینی، آیه دیگری هر گونه امید به ایمان آوردن اهل کتاب و یهودیان به اسلام را نقش بر آب می داند: «ایا طمع دارید یهودیان به دین شما بگردند در صورتی که گروهی از آنان کلام خدا را شنیده و به دلخواه خود تحریف می کنند. با آن که در کلام خدا تعقل کرده و معنی آن را دریافته اند»^{۳۱۴} (سوره بقره، آیه ۷۴).

می بینیم که این دو آیه کاملاً با همدیگر مغایر و متضادند. اولی دال بر پیش بینی پذیرش قرآن و اسلام از سوی اهل کتاب و یهودیان است، اما دومی هر گونه امکان سازش و گرویدن آنان به اسلام و قرآن را به زیر سؤال می برد. تازه، آیه ۲۵۳ همین سوره بقره، اختلاف بین این ادیان را امری الهی معرفی می کند و بر آن است که اساساً از ازل این انگیزه خلق شده که اینان به دین اسلام نگرند و حتی وجود اختلاف

³¹³ قرآن، ترجمه بهالدین خرماهی.

³¹⁴ قرآن، ترجمه حسین محی الدین الهی قمشه.

بین اهل کتاب و مسلمانان، ناشی از خواست و مصلحت الهی است:
"اینان پیامبرانی هستند که بعضی را بر بعضی برتری بخشیدیم ... و اگر خدا می‌خواست کسانی که پس از ایشان آمدند، پس از روشنگری‌هایی که برایشان آمد، کشمکش و کارزار نمی‌کردند، ولی اختلاف پیشه کردند؛ و بعضی از ایشان ایمان آوردند و بعضی کفر ورزیدند، و اگر خدا می‌خواست کشمکش و کارزار نمی‌کردند، ولی خداوند هر آن چه اراده کند انجام می‌دهد"³¹⁵ (سوره بقره، آیه ۲۵۳).

می‌بینیم این آیه با هر دو آیه قبلی در تضاد قرار دارد، چرا که از سوئی هیچ امید و امکانی برای پذیرش اسلام و قرآن از سوی یهودیان و مسیحیان باقی نمی‌گذارد؛ که این خود بر خلاف پیش‌بینی اولیه و به معنی ردّ انتظارات قبلی خود در آیه اول به شرح فوق است. از سوی دیگر نیز، بر خلاف آیه دوم به شرح فوق، این آیه، گناه عدم انتخاب دین اسلام و قرآن از سوی مسیحیان و یهودیان را به گردن آنان نمی‌اندازد، بلکه پشت کردن آنان را ناشی از خواست و اراده خداوند می‌داند. "این مسیحیان و یهودیان نیستند که اسلام و قرآن را نمی‌پذیرند، بلکه این سرنوشتی خداوندی است که در عدم سازگاری و ضرورت اختلاف بین مؤمنین به این ادیان را ضروری ساخته، مانع دوستی و علت دشمنی آنان است".

این البته تنها مورد تضاد و تعارض در قرآن و میان آیات آن نیست.
 - آیاتی که آزادی ایمان دینی را تبلیغ می‌کند، در تضاد با آیاتی قرار دارند که هرگونه دگراندیشی و انکار اعتقادات اسلام را، با کشتار و شکنجه این و آن جهانی پاسخ می‌دهند.
 - آیاتی هدایت و ضلالت را از آن خدا می‌دانند و در مقابل، آیاتی بشر را «مسئول» انتخاب "راه راست اسلامی" معرفی می‌کنند. "در قرآن بیش از پنجاه آیه وجود دارد که هدایت و ضلالت را از آن خدا

³¹⁵ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

می‌داند^{۳۱۶}. این در حالی است که "باز بیش از پنجاه، شصت آیه هست که عذاب الیم جاودانی برای مردمی که خداوند خود نخواستہ آنان هدایت شوند، ذخیره فرموده است"^{۳۱۷}.
از این نمونه‌ها در قرآن فراوان است و وجود این آیات که نسبت به همدیگر در تعارض و تضاد قرار دارند، یکی از موانع عمده جمع‌بندی نقطه نظریات اسلام و قرآن در امور دینی و غیر دینی است^{۳۱۸}.

آیات ناسخ و منسوخ

۱- نظرها متفاوتند

برخی از آیات متضاد قرآن آیتی‌اند که همدیگر را نسخ می‌کنند. این بدان معنی است که در ابتدا برای حل و فصل مسأله‌ای آیه‌ای "نازل" شده، ولی پس از مدتی، ظاهراً به خاطر تغییر شرایط ناظر بر این آیه، این نظر و حکم الهی تغییر کرده و آیه دیگری "نازل" شده که در همان مورد و موضوع، مغایر و متفاوت با آیه اولی است و آن را از اعتبار می‌اندازد. بنا به رسم معمول و به زبان عربی، آیه از اعتبار افتاده را نسخ شده یا «منسوخ» و آیه جدید و جایگزین را، آیه نسخ‌کننده یا «ناسخ» می‌خوانند.

ظاهراً مریدان هر فرقه اسلامی، به تبعیت از رهبران دینی، یا شریعت‌سازان اصلی، این یا آن آیه را ناسخ یا منسوخ می‌شناسند، یا بر اساس اصل اسلامی "اجماع"، از این‌گزینه‌ها رسمی شده تبعیت می‌کنند. با این وجود، در بسیاری موارد، نمایندگان گوناگون قرائت

³¹⁶ ر. ک. به: علی دشتی، ۲۳ سال، ص ۳۱۵-۳۱۴ و شجاع‌الدین شفا، پس از ۱۴۰۰ سال، جلد دوم، ص ۱۲۴-۱۲۶.

³¹⁷ علی دشتی، ۲۳ سال، پیشین، ص ۳۱۵.

³¹⁸ برای توضیح بیشتر ر. ک. به بحث «تعارض و تضاد درونی آیات» و «آیات پروسه‌ای» در جلد سوم این کتاب و به بحث «تضاد و تعارض در بین آیات قرآن و نتیجه‌گیری از آن در رابطه با موضوع تحقیق این کتاب» در جلد چهارم.

دینی «رسمی و با واسطه» هر فرقه نیز، در ناسخ یا منسوخ بودن این یا آن آیه، توافق ندارند، و کسی به درستی نمی داند که:
- این آیات مختلف اساساً ناسخ و منسوخ همدیگرند، یا نه. و اگر چنین اند،
- کدام ناسخ و کدام یک منسوخ است.

مشکل این جاست که هر دو این آیات ناسخ و منسوخ، بدون هرگونه توضیح و اشاره در قرآن موجود ثبت اند و هر دو نیز "کلام خدا" نامیده می شوند. شریعت سازان، بنا به مورد و منافع دینی و دنیوی لحظه ای خود، گاهی این و گاهی آن را آیه ناسخ و معتبر، و آن دیگری را منسوخ و نامعتبر می خوانند و بر اساس آن ها نیز، حکم دینی استخراج می کنند.

۲- آیات ارزیابی توان رزمندگان رسول

آیات ۶۵ و ۶۶ سوره انفال از جمله آیات ناسخ و منسوخ اند. متشرعین اسلامی هنوز پس از ۱۴۰۰ سال در مورد تقدم و تأخر این آیات و کدام ناسخ یا منسوخ بودن آن ها بحث می کنند^{۳۱۹}. در همان حال که این بحث جریان دارد، برخی دیگر از شریعت سازان اسلامی: "اختلاف ظاهری بین این دو آیه را نه دلیلی بر نسخ و نه دلیلی بر استحباب (مستحب، پسند شرعی) می دانند، بلکه معتقد به اعتبار هر یک از این دو حکم در مورد معین اند"^{۳۲۰}.

اعتقاد به اعتبار دو حکم متضاد، به این معنی است که شریعت سازان به اقتضای مصالح روز خود، گاهی این و گاهی نیز آن آیه را معتبر اعلام می کنند و آن دیگری را فاقد اعتبار دینی و منسوخ شده تلقی می کنند. از این جاست که اینان، دسته کلیدی از آیات مغایر و متضاد قرآنی در جیب دارند و هر وقت هم لازم شد، گاهی به تأیید و گاهی هم

³¹⁹ İlhan Arsel, Koran,ın Eleştirisi, Cilt 2, s.135-134.

³²⁰ تفسیر نمونه، جلد ۷، ص ۲۳۸.

در رد موضوعی معین، آیه "نازل" می‌کنند. این شیوه، البته که «شیوه دینی» نیست و بیشتر ضرب المثل آن نوکری را به یاد می‌آورد که در پاسخ سؤال اربابش گفته بود:

- "قربان! من نوکر شما هستم و نه نوکر بادمجان. بادمجان خوب است اگر شما دوستش بدارید، و بد است اگر موافق میل مبارک شما نباشد".

در هر حال، آیه مورد نظر سوره انفال چنین می‌گوید: "ای پیامبر مؤمنان را به جهاد برانگیز، اگر از شما بیست تن شکیبیا باشند، به دویست تن غلبه خواهند کرد و اگر از شما صد تن باشند بر هزار تن از کافران غلبه می‌کنند، چرا که اینان مردمی هستند که چیزی در نمی‌یابند"³²¹ (سوره انفال، آیه ۶۵).

این در حالی است که آیه ۶۶ همین سوره، توان یک مسلمان شکیبیا را بیشتر از توان جنگی دو کافر زمان نزول تشخیص نمی‌دهد: "اینک خداوند بر شما آسان گرفت و معلوم داشت که در شما ضعفی هست، پس اگر از شما صد تن شکیبیا باشند بر دویست تن غلبه می‌کنند و اگر از شما هزار تن باشند، به توفیق الهی بر دو هزار تن غالب می‌کنند، و خداوند با شکیبیایان است"³²² (سوره انفال، آیه ۶۶).

مفسرینی که طرفدار اولین بودن آیه ۶۵ اند و آن را به وسیله آیه ۶۶ منسوخ می‌دانند، بر این نظرند که:

- "قبلاً هر مسلمان قادر به پیروزی بر ده نفر کافر بوده، ولی بعداً خداوند در عمل دیده و تجربه کرده که آنان به چنین کاری قادر نیستند. از این رو، با تجربه توانائی مسلمانان، میزان امیدواری از آنان را تقلیل داده، یا حتی لطف کرده و بر آنان آسان گرفته است." (آیا خدائی که بر همه چیز آگاه است، برای دانستن آینده و توان مسلمانان احتیاج به تجربه و یادگیری دارد؟)

³²¹ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

³²² قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

اما به نظر و تفسیری دیگری که آیه ۶۶ را اولین و مقدم بر آیه ۶۵ می‌داند:

- "ابتدا، زمانی که مسلمانان هنوز ضعیف بودند و حکومت مدینه سر نگرفته بوده، مسلمانان توان کم تری داشتند و هر مسلمان، حریف بیش از دو کافر زمان نزول نبوده، اما بعداً که اوضاع سر و سامان یافته و مسلمانان صاحب اسلحه و مرکب و فرماندهی شدند، این توانائی تا به حد یک بر ده افزایش یافت و خداوند نیز آن را تأیید کرد"^{۳۲۳}.

دیدیم که در این میان نظر سومی هر دو این آیات را دارای اعتبار می‌داند و با وجود تعارض موجود بین این آیات، هیچ کدام را ناسخ و منسوخ آن دیگری نمی‌شناسد. این نظر بینابینی، تعارض موجود در بین دو آیه را به نوعی می‌پوشاند و در همان حال، به رهبران و شریعت سازان فرقه های اسلامی فرصت می‌دهد تا در هر زمان، به مقتضای سود دنیوی خود، یکی از این آیات را به میان توده های محروم ببرند و با معرفی آن به عنوان نظر قرآن و "کلام الله"، موقتاً از آن دیگری صرف نظر کنند.

در هر صورت، موضوع مهم در این است که وجود این گونه آیاتی که نه تقدم و تأخرشان معلوم است و نه ناسخ و منسوخ بودن شان تأیید شده، مشکلی از مشکلات مطالعه و درک و فهم معنی و مفهوم قرآن است.

۳- نمونه آیات مربوط به مصرف مشروبات الکلی در جامعه اسلامی رسول

- مصرف مشروبات الکلی بر اساس "ترتیب مصحف" مورد دیگر بر می‌گردد به آیاتی که نمایندگان قرائت «رسمی و با واسطه»، ناسخ و منسوخ بودن شان را تأیید می‌کنند، ولی هنوز

³²³ İlhan Arsel, ibid.

نتوانسته اند در مورد تقدم و تأخر آن ها و در نتیجه، در مورد این که کدام ناسخ و کدام منسوخ است، به رأی جمعی و نظری قاطع و قانع کننده برسند.

برای مثال، در قرآن مصحف فعلی، اولین آیه در مورد مشروبات الکلی در سوره البقره، یا سوره دوم قرآن موجود است. در آیه ۲۱۹ این سوره، هم از سود و هم از ضرر مشروبات الکلی سخن به میان می آید و ضرر آن بیش از سودش تشخیص داده شده و از این رو، مصرف آن به طور ملایم ممنوع اعلام می شود «نخورید بهتر است!»: **«از تو دریاره شراب و قمار می پرسند؛ بگو در آن ها گناهی بزرگ و نیز سودهایی برای مردم هست، ولی گناه آن ها بر سودشان می چربد...»**^{۳۲۴} (سوره بقره، آیه ۲۱۹).

آیه بعدی - آیه ۴۳ سوره النساء -، که به «ترتیب مصحف» سوره چهار قرآن و دو سوره و چند صد آیه با آیه اولی فاصله دارد، نظر بسیار آدامنشانه و لیبرال تری در مورد مصرف مشروبات سکرآور ابراز می دارد. این آیه با سفارش به پرهیز از خواندن نماز در حال مستی، به طور غیر مستقیم نوشیدن مشروبات الکلی در اوقات دیگر را مجاز، یا حداقل «مکروه» و قابل گذشت و تحمل اعلام می کند: **«ای مؤمنان در حال مستی به نماز نزدیک نشوید، تا زمانی که بدانید چه می گوئید...»**^{۳۲۵} (سوره النساء، آیه ۴۳).

بدین معنی، مسلمانان به وقت مستی مجاز به خواندن نماز نیستند، اما در این جا «هر مستی ای مستی نیست»، بلکه مستی با گم کردن شعور؛ آن جا که آدم نمی داند چه می گوید، پیش می آید، و این مستی است که به نظر این آیه قرآن مانع اقامه نماز است. از این رو، بر اساس این آیه:

- مسلمانان مجاز نیستند به وقتی که شعور خود را به سبب مستی از دست داده اند نماز بگزارند، یا به بیان دیگر:
- مسلمانان مجازند تا زمانی که مستی شان تا به حد گم شدن شعور نرسیده، نماز بخوانند یا:

³²⁴ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

³²⁵ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

- مسلمانان مجازند تا زمانی که می دانند چه می گویند، در حال مستی نیز نماز برپا دارند.

نظر این آیه اما در آیه بعدی تر قرآن ۱۸۰ درجه برمی گردد و آیه ۹۰ سوره المائده که به "ترتیب مصحف" در ردیف ۵ قرآن قرار دارد، نوشیدن مشروبات سکرآور را همراه با قمار در ردیف اعمال کفر آمیزی همانند بت پرستی قرار داده و مطلقاً ممنوع اعلام می کند: "ای مؤمنان شراب و قمار و انصاب و ازلام از اعمال پلید شیطان است، از آن پرهیز کنید باشد که رستگار شوید" ^{۳۲۶} (سوره مائده، آیه ۹۰).

از این آیه، ۱۰ سوره و صدها آیه می گذرد و در سوره النحل که سوره ردیف ۱۶ قرآن به ترتیب مصحف موجود است، نه فقط مصرف مشروبات الکلی، ممنوع و گناه اعلام نمی شود، بلکه بر عکس، در ادامه آیاتی که همه از نعمات خدا نام می برد، شراب مستی آور هم نعمتی از نعمت هائی شمرده می شود که نشانه توان و لطف خداست. حتی با نظر بر "سکرآوری نیکوی" آن می توان برای ایمان به خدا درس گرفت: "و از میوه های درختان خرما و انگور هم (شراب) مستی آور تتخذون منه سکرآء و هم خوراک نیکو به دست می آورید؛ بیگمان در این امر برای خردورزان مایه عبرتی است" ^{۳۲۷} (سوره نحل، آیه ۶۷).

از آن جا که هر آیه ای «آیه مخالف قبلی» خود را منسوخ می کند، پس بر اساس تقدم و تأخر سوره های قرآن موجود (به ترتیب مصحف) می توان نتیجه گرفت که:

- آیه ۲۱۹ سوره بقره (سوره ردیف ۲ به ترتیب مصحف موجود) به وسیله آیه ۴۳ سوره ردیف ۳ النساء، این هر دو به وسیله آیه ۹۰ سوره

³²⁶ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

³²⁷ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

ردیف ۵ مائده و این هر سه نیز به وسیله آیه ۶۷ سوره ردیف ۱۶ النحل، منسوخ شده و از این رو، آیه ۶۷ سوره النحل آیه ناسخ و معتبر نهائی است و نظر پایانی قرآن و خدا را در زمان نزول بیان می کند. بر اساس این آیه به شرح فوق:

۱- مصرف مشروبات الکلی، حلال و از موهبات الهی است.

- مصرف مشروبات الکلی بر اساس "مصحف علی"
دیدیم که این نتیجه گیری بر اساس تقدم و تأخر آیات به «ترتیب مصحف موجود» به دست آمده است. در ضمن، برخی از متشرعین، از آن جمله مترجم قرآن بهالدین خرمشاهی، از مصحف دیگری به نام «مصحف علی» یاد می کند. در این مصحف «فرضی» گویا سوره البقره در ردیف ۳، النحل در ردیف ۱۶، المائده در ردیف ۵۳ و سوره النساء در ردیف ۵۷ قرار دارد^{۳۲۸}. حالا اگر ترتیب سوره ها در این مصحف فرضی ملاک قرار گیرد، در آن صورت، آیه ۴۳ سوره النساء، ناسخ همه آیات دیگر به حساب می آید و عنوان آیه نهائی و معتبر این موضوع معین را به خود می گیرد: **"ای مؤمنان در حال مستی به نماز نزدیک نشوید، تا زمانی که بدانید چه می گوئید..."**^{۳۲۹} (سوره النساء، آیه ۴۳).

طبق این آیه:

۲

- نه مصرف مشروبات الکلی، که فقط مستی و فراموشکاری؛ آن هم نه در همه وقت، بلکه فقط موقع خواندن نماز ممنوع است. این حکم را می توان در جائی بین "حلال و مکروه" بودن مصرف مشروبات الکلی قرار داد.

- مصرف مشروبات الکلی بر اساس "ترتیب نزولی"
شریعت سازان هیچ یک از این نتیجه گیری ها را که مستقیماً از مصحف های مورد پذیرش خودشان برداشت شده نمی پذیرند و برخی

³²⁸ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی، ص ۶۲۳-۶۲۱.

³²⁹ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

برای دانستن رأی نهائی قرآن در مورد مصرف مشروبات الکلی، مراجعه به ترتیب نزولی این آیات را لازم می‌شمارند. اما این کار به این سادگی قابل اجرا نیست، چرا که بر اساس بحث‌ها و نتیجه‌گیری‌های پیشین:

- اولاً از تقدم و تأخر "نزول" تمام سوره‌ها اطلاع کافی در دست نیست و هرکسی بر اساس حدس و گمان شخصی پیشنهادی می‌کند و،
- ثانیاً در جاهائی هم که تقدم و تأخر سوره‌ها هم معلوم است، تقدم و تأخر آیات، به خصوص آیات سوره‌های بزرگ، نامعلوم است^{۳۳۰}.
بر اساس این واقعیت، به طور مثال حتی اگر "ترتیب نزولی" سوره البقره همان ردیف ۸۷ باشد که جمعی عنوان می‌کنند، کسی به یقین نمی‌داند که آیه مورد نظر ۲۱۹ این سوره در چه وقت "نازل" شده، یا زودتر یا دیرتر از آیات مورد مقایسه در سوره‌های دیگر به این سوره افزوده شده است. این تردید در مورد تقدم و تأخر آیات سوره‌های مورد نظر دیگر هم صدق می‌کند.

حالا اگر با وجود این «محظورات منطقی»، تقدم یا تأخر این آیات را بر اساس "ترتیب نزولی" بی‌ی که مثلاً به‌الدین خرمشاهی در قرآن ترجمه شده خود آورده، تنظیم کنیم، بر اساس قانونمندی آیات ناسخ و منسوخ، آیه موجود در سوره المائده، نظر نهائی خدا در این مورد را بیان می‌کند. چرا که این سوره به "ترتیب نزولی"، سوره ردیف ۱۱۲ و دیرتر از بقیه سوره‌ها "نازل" شده است. بر این اساس، آیه ۹۰ سوره المائده، آیات موجود در سوره‌های النحل به ترتیب نزول ۷۰، البقره به ترتیب نزول ۸۷ و النساء به ترتیب نزول ۹۲ را منسوخ می‌کند. در آن صورت، نتیجه کاملاً عوض می‌شود و بر اساس آیه ۹۰ سوره المائده که سوره نهائی و ناسخ آیات قبلی است:

۳- مصرف مشروبات الکلی مطلقاً ممنوع است.

³³⁰ ر. ک. به بحث مربوطه در همین جلد از کتاب.

این البته همان حرفی است که متشرعین؛ اعم از مفسرین، متکلمین، محدثین و همچنین قضات و نمایندگان دینی عنوان می کنند، اما در دین و کار خدا که یک بام و دو هوا وجود ندارد. منطقاً اگر در این مورد خاص، ترتیب نزولی ملاک قرار می گیرد و تقدم و تأخر آیات در مصحف موجود از نظر ناسخ و منسوخ مهم نیستند، پس در آن صورت باید در سایر موضوعات و امور هم "ترتیب نزولی" ملاک قرار گیرد و نباید پس و پیش بودن سوره ها و آیه های قرآن موجود، در تعیین آیه ناسخ و منسوخ تأثیر بگذارد. مگر نه؟

اما، همان گونه که قبلاً نتیجه گیری شده، شریعت سازان کاری به این گونه استدلال های منطقی ندارند و ترتیبی را؛ چه "ترتیب نزولی" یا "ترتیب مصحف" موجودی، که نظر و نیت شان در زمان و مکان امروزی را تأیید کند، ناسخ و معتبر معرفی می کنند. و در این که فردای آن روز نظر دیگری بدهند و ناسخ دیروزی را منسوخ و منسوخ دیروزی را ناسخ و معتبر معرفی کنند منعی نمی بینند.

با آنکه نتیجه گیری ناشی از "ترتیب نزولی" به شرح بالا، محبوب شریعت سازان است و تابعان دگم های قرون وسطائی اسلامی را راضی و خوشحال می کند، اما این، طبق معمول سایر ابداعات دینی، پرسش های دینی بی پاسخی را هم به همراه می آورد. به طور مثال:

- اگر مصرف مشروبات الکلی به شرح نتیجه گیری بالا، به اندازه کفر کردن به خدا گناه است و از این نظر، خواست خدا ممنوع کردن مطلق نوشابه های سکرآور است، چرا باید خداوند در آیاتی دیگر، عملی را که خود آن را از اعمال شیطانی می خواند، جزو نعمات نیک خود به حساب بیاورد و حتی آن را از علل عبرت و درک و فهم خدائی خود قرار دهد؟ و در آن صورت:

- این آیا مغایر با آن نیست که طبق نظر قرآن، خداوند به خاطر فرصت طلبی خلاف نمی گوید، جز حقیقت و راستی را تأیید نمی کند و از آینده نیز آگاه است؟

- روایات دیگر

شریعت سازان، در این مورد نیز احادیث و "شأن نزول" هائی روایت می کنند. یکی از معتبرترین این روایات، نزول این آیات را ناشی از دخالت و اصرار خلیفه دوم عمر برای نزول آیه ای جهت منع مسکرات می داند. محققین³³¹ با مراجعه به منابع رسمی اسلامی نشان می دهند که آیه اول به خاطر اصرار عمر "نازل" شده و مصرف مشروبات الکلی را منع کرده است. چون این آیه به حد کافی محکم و مؤثر نبوده، رضایت وی را تأمین نکرده و از این رو آیه دیگری با تأکید بیشتری "نازل" شده است. با این وجود، این هم کافی به نظر نرسیده و بالاخره آیات سوم و چهارم بر اثر مراجعات و اعلام نارضایتی مکرر وی "نازل" شده و نوشابه ای را، که در آیه اول جزو نعمت های خدا معرفی شده بوده، با کفر برابر دانسته اند.

۴- مشکل درک و فهم آیات ناسخ و منسوخ

آیات ناسخ و منسوخ بدون هرگونه نشانه ای از نظر تقدم و تأخر زمانی و در نتیجه، بدون هر اطلاعی در مورد این که کدام ناسخ و کدام منسوخ است، در این «کتاب دینی» گرد هم آمده اند. این است که با ادامه «مطالعه بی واسطه» قرآن، به آیاتی متعارض و متضاد برخورد می کنی و نمی توانی بفهمی که کدام آیه با کدام معنی و منظور بر کدام آیه دیگر تقدم دارد و کدام آیه دیگر را منسوخ کرده، یا کدام حکم و آیه، دارای اعتبار نهائی، یا فاقد آن است.

تازه با گزینش آیه ای از آیات، از آن جا که آیات ناسخ و منسوخ در سرتاسر کتاب پراکنده اند، معلوم نیست که آیا آیه دیگری هم در این زمینه "نازل" شده و در آن صورت، این آیه در کدام سوره و کجای آن قرار گرفته است. این نیز دلیلی است بر این که هر موضوع قرآنی،

³³¹ Tecrid-i Salih 12:39; Ebu Davud, Eşribe, No 3670; Tirmizi, Maide Tefsiri, No 3049 vs. Quoted: Arif Tekin, Koran,ın kökeni, s. 62-61.

تا پایان کتاب، ناتمام باقی می ماند و تا تمام قرآن را در جستجوی تک تک موضوعات مرور نکرده ای، نمی توانی در موردی از موارد نظری استخراج کنی. تازه وقتی هم که موفق به این کار نه چندان آسان می شوی، نمی دانی که کدام یک از این موارد، تقدم زمانی دارد یا این تقدم باید به "ترتیب مصحف" یا "ترتیب نزولی" (که خود به تمامی معلوم نیست) تنظیم شود.

به تکرار یادآوری می کند که نه فقط وجود این گونه آیات در قرآن و پراکندگی این آیات در لایه لای نامعلوم آن، از نظر درک و فهم موضوع و محتوی قرآن مشکلی جبران ناپذیر است، بلکه اصل وجود و "نزول" آیات "ناسخ و منسوخ" با چندین پرنسیپ اساسی دین و قرآن در تضاد قرار می گیرد. صرف وجود آیات ناسخ و منسوخ با آیات قرآن از نظر دانائی و توانائی خدا، مغایر، و از نظر دینی سؤال بر انگیز است.^{۳۳۲} وجود این آیات، همچنین با پرنسیپ های اساسی قرآن در مورد «مبین بودن آن»^{۳۳۳} و همچنین در مورد عدم امکان تضاد و تعارض در میان "کلام" خدا^{۳۳۴} به شرح آیه زیر در تضاد قرار می گیرد: **"آیا در قرآن از روی فکر و تامل نمی نگرند (تا بر آنان ثابت شود که وحی خداست) و اگر از جانب غیر خدا بود در آن (از جهت هم لفظ و هم معنی) بسیار اختلاف می یافتند"**^{۳۳۵} (سوره النساء، آیه ۸۲).

³³² در مورد رابطه آن با موضوع مورد بحث این کتاب ر. ک. به جلد سوم این کتاب.

³³³ ر. ک. به «آثار قرآن کلام الله» در جلد دوم این کتاب.

³³⁴ ر. ک. به فصل «قرآن دینی» در جلد دوم این کتاب.

³³⁵ قرآن، ترجمه حسین محی الدین الهی قمشهء.

